

## فهرست اشعار ابوالقاسم کریمی

- ۱) چند شعر کوتاه برای کیمیا ..... 3
- ۲) شعر: رنگ شب / ابوالقاسم کریمی ..... 5
- ۳) شعر: نوحه گر / ابوالقاسم کریمی ..... 6
- ۴) شعر: علاقه/ابوالقاسم کریمی ..... 7
- ۵) ترانه: گریه های بی سرو صدا/ابوالقاسم کریمی ..... 8
- ۶) شعر: صبح زیبای زندان ..... 9
- ۷) شعر مرگ خاموش/ابوالقاسم کریمی ..... 10
- ۸) آری اینچنین بود برادر/ابوالقاسم کریمی ..... 11
- ۹) شعر نگین سبز۲/ابوالقاسم کریمی ..... 13
- ۱۰) شعر نگین سبز/ابوالقاسم کریمی ..... 14
- ۱۱) شعر حال مردم/ابوالقاسم کریمی ..... 15
- ۱۲) شعر تیغ خون آلود/ابوالقاسم کریمی ..... 16
- ۱۳) شعر تکرار تاریخ/ابوالقاسم کریمی ..... 17
- ۱۴) شعر گرفتار غم عشق/ابوالقاسم کریمی ..... 18
- ۱۵) شعر رود بی آب ..... 19
- ۱۶) شعر تیغ تیز طوفان ..... 20
- ۱۷) شعر دل دریایی/ابوالقاسم کریمی ..... 21
- ۱۸) صدای تیشه ی شب ..... 22
- ۱۹) شعر گل تشنه ..... 23
- ۲۰) پنجه ی اجبار ..... 24
- ۲۱) گرگ های آدم نما ..... 25
- ۲۲) ترانه ای برای قلبم/ابوالقاسم کریمی ..... 26
- ۲۳) شعر فقر ..... 27
- ۲۴) عریان خواب ..... 28
- ۲۵) شعر تیغ تیز غم ..... 29
- ۲۶) وسعت عالم ..... 30
- ۲۷) شعر پنجه ی زندان درد ..... 31

32	..... شعر دنیای شبناک (۲۸)
33	..... کوچه های عاشقی (۲۹)
34	..... شعر برگ زرد ۲ (۳۰)
35	..... شعر زندان مرگ (۳۱)
36	..... رها کن (۳۲)
37	..... بوی عشق (۳۳)
38	..... گل پژمرده (۳۴)
39	..... عربان ترس (۳۵)
40	..... بهار آمد (۳۶)
41	..... خرد (۳۷)
42	..... تار و پود جبر (۳۸)
43	..... محال (۳۹)
44	..... قاتل (۴۰)
45	..... دوام گل (۴۱)
46	..... زندگی (۴۲)
47	..... هوای دلگیر (۴۳)
48	..... شهر کویری (۴۴)
49	..... شرایط استفاده

عنوان: چند شعر کوتاه برای کیمیا

۱

کیمیا

اینجا ، زمین دیگرست

تنها

با جادوی چراغ میتوان

بر دیوار بلند سکوت

طرحی از

لبخند کشید.

۲

کیمیا

با خنجری فولادی

بر دیوار معبدی که عشق را

به تازیانه محکوم کرده بود

نوشتم

"تعصب ممنوع"

۳

کیمیا

ما از کدامین فرقه ایم

که مرگ را می پرستیم

و رنج بی پایان زندگی را

زمزمه میکنیم

۴

کیمیا

فردا

در آغوش خاک ، پیدا خواهد شد

نامه ای که امروز

به دستان باد

سپردم

۵

کیمیا

به آزادی

تردید نداشتیم

تا آنکه

به دیواری رسیدیم

که بر آن نوشته بودند

"تبعیدگاه"

عنوان: شعر: رنگ شب / ابوالقاسم کریمی

زاغ آمد لاله به منقار گرفت

خون در رگ ما نوای تکرار گرفت

غم پاسخ خودخواهی ما را این داد

بر مرکب دل نشست و افسار گرفت

مصرع اول: مهستی گنجوی

ابوالقاسم کریمی

یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۸

عنوان: شعر: نوحه گر / ابوالقاسم کریمی

میان سیل غم ها نوحه گر ، من  
درون قلب دشمن بی سپر ، من

گلی در باغ عیش و عشوه ها تو  
درخت سرو در مشتِ تبر ، من

عنوان: شعر:علاقه/ابوالقاسم کریمی

علاقه ات به من چه کم رنگ شده

مغزم از رفتار تو مَنگ شده

زیبا ، بگو اگر گناهی کردم

قلب تو شیشه ای بود و سنگ شده

۱۳۹۸/خرداد/۷

**عنوان:** ترانه: گریه های بی سرو صدا/ ابوالقاسم کریمی

اینجا فضای زندگی شعری بلند و مبهمه  
که واسه ی سرودنش ردیف و قافیه کمه

ما قلکه آرامشو با گریمون پُر میکنیم  
سیسد روز از هر سالمون ماه عزا و ماتمه

هر آدمی که قلبشو , به غصه ها فروخته  
مسیر سرنوشتش , یه راه پر پیچ و خمه

شادیه ما قصریه که دیواراش از پلاستیکه  
کنار قصر شادیمون خونه ی سنگی غمه

قانون اختیار میگه میتونی غم رو بکشی  
اما واسه کشتن غم قدرتمون خیلی کمه

عنوان: شعر: صبح زیبای زندان

به سوی پنجره آواز برخواست

قفس از سینه ی پرواز برخواست

طلوع صبح زندان دیدنی شد

تفنگ از باور سرباز برخواست

توضیحات عکس: گفتگوی زندان و زندانبان (سوئد)

شاعر: ابوالقاسم کریمی ۲/ خرداد/ ۱۳۹۸

**عنوان:** شعر مرگ خاموش/ابوالقاسم کریمی

زمین , بی سایه و خاموش و تب دار

بشر در مَنجِلاب ترس و کشتار

جُنون, پا در رکاب اسب کینه

می تازد, بر تن و روحِ ستمکار

ابوالقاسم کریمی

چهارشنبه ۱۵ - خرداد - ۱۳۹۸

عنوان: آری اینچنین بود برادر/ابوالقاسم کریمی

شاخه ها را

از ساقه ها جدا کردیم

چنان که با زمین بیگانه شدیم

و از قلب تپنده ی خاک

ریشه را برکنندیم

تا جایی ،

برای مُردن بنا کنیم

حال

خلاصه ی تمدن

تقدیس کشتار است و

بردگی

«آری،

اینچنین بود برادر»

که در «گهواره ی تکرار

تاریخ را

نوشتیم»

پیش از این

پیامبران گفته بودند

«آدمی،

رنج را ، زندگی خواهد کرد».

ابوالقاسم کریمی ۱/خرداد/۱۳۹۸



عنوان: شعر نڱين سبز ۲/ ابوالقاسم كرىمى

گياهى كوچكم بر بستر سنگ

نڱين سبزِ روىِ تاجِ خوشرنگ

شبى گفتم به انسانى رياكار

مزن بوسه به تيغِ تيزِ نيرنگ

عنوان: شعر نڱين سبز/ابوالقاسم كرىمى

گىاهى كوچكم بر بستر سنگ

نڱين سبز روى تاج خوشرنگ

شبهى گفتم به انسانى رىكار

مكن تكيه به پشت گاو نيرنگ

عنوان: شعر حال مردم/ابوالقاسم کریمی

خزان با باور گل آشنا نیست  
«غم من قابل فهم شما نیست»  
در این کینه سرای دشمن آباد  
جدا از حال مردم جز خدا نیست

---

ابوالقاسم کریمی فرزندزمین

عنوان: شعر تیغ خون آلود/ابوالقاسم کریمی

زمستان شد ، خدا تنها شد و رفت  
حیا مُرد و وفا رویا شد و رفت  
به زیر تیغِ خون آلودِ چنگیز  
هنر سهم کبوترها شد و رفت

.....  
ابوالقاسم کریمی فرزندزمین

عنوان: شعر تکرار تاریخ/ابوالقاسم کریمی

زمستان آمد و دیوار بارید  
تبر بر شهر ما ، غم بار بارید  
درون کوچه ی بن بست تاریخ  
سیاست رد شد و تکرار بارید  
.....  
ابوالقاسم کریمی فرزندزمین

عنوان: شعر گرفتار غم عشق/ابوالقاسم کریمی

گرفتارِ شبِ پایانِ عشقم  
هوا سرد است و من عریانِ عشقم  
هوا سرد است و من در مسلخِ غم  
کنار جویِ خون ، گریانِ عشقم

.....  
ابوالقاسم کریمی فرزندزمین

عنوان: شعر رود بی آب

تو باران بودی و من رود بی آب  
جدایم کردی تو ، از بستر خواب  
نجاتم دادی از سلول زندان  
رهایم کردی در دامن سیلاب

.....  
ابوالقاسم کریمی فرزندزمین

## عنوان: شعر تیغ تیز طوفان

شبی در پنجه ی سرد زمستان  
لب دیوار قربانگاه زندان  
به زیر سایه ای مبهم تر از غم  
گلی دیدم ، اسیر تیغ طوفان

عنوان: شعر دل دریايي/ابوالقاسم کریمی

اگه دشمن به دستانش تفنگه  
دل دریایی ما مرد جنگه  
قسم بر قامت سرو شکسته  
در و دیوار زندان هم قشنگه

عنوان: صدای تیشه ی شب

شعر تیشه ی شب

.  
.  
خزان بر دفتر شعرم خزیده  
لب خندان من را غم خریده  
صدای ضربه های تیشه ی شب  
به باغ سبز ایمانم رسیده

.  
.  
شاعر: ابوالقاسم کریمی (فرزند زمین)

## عنوان: شعر گل تشنه

گلی که ریشه های تشنه دارد  
به روح سبز خود ایمان ندارد  
دعا کن مادرم بعد از نمازت  
به شهر ما کمی باران ببارد

شاعر: ابوالقاسم کریمی:فرزندزمین

عنوان: پنجه ی اجبار

زمین در کاسه ای از خون گرفتار

بشر در پنجه ی بی رحم اجبار

ورق های کتاب سرخ تاریخ

نگین خوش تراش دستِ تکرار

## عنوان: گرگ های آدم نما

نام ترانه: گرگ های آدم نما

رها شدم تو جنگلی که اسم اون زمينه  
هر جا نگا میکنم گرگی توی کمينه

نبض زمين تو دست گرگای آدم نماس  
بغضی که تو گلومه نفرت من از اونهاس

گرگای آدم نما خدای جنگ و خونن  
خدان ، ولی اسير وسوسه و جنونن

سلولای مغز ما تير تفگ اونهاس  
زير پوتين اونها جون من و تو و ماس

روح کتاب تاريخ راه غم و جنونه  
که مثل قلب سنگی دساش به رنگ خونه

راهی برای نجات از اين جهنم ميخواوم  
فقط يه دوست همدم فقط يه آدم ميخواوم

شماهایی که دارين ترانمو ميخوانين  
برين دوبار کتاب « ريشه ها » رو بخونين

وقتی شب ابری رو من و تو ميپرستيم  
مثل خاريم که توی چشم بهار نشستيم

شاعر: ابوالقاسم کریمی (فرزندزمين)

**عنوان:** ترانه ای برای قلبم/ابوالقاسم کریمی

من یه درخت تنهام تو قلب یه بیابون  
دل من از دیوای آدم نما شده خون

مردن و زنده موندن فرقی واسم نداره  
هر روز رو دوش خستم بارون غم می باره

ماهی شب تو رود اشک چشم می خنده  
تنهایی فریادمو توی گلوم می بنده

دیواری تا آسمون بین من و بهاره  
نسیم خشک صحرا غم به دلم می کاره

حرفی دیگه ندارم چیزی برام نمونده  
شوری اشک چشمام ریشه ها مو سوزنده

شاعر: ابوالقاسم کریمی

## عنوان: شعر فقر

برگ خُشکی ولگردم  
در پنجه ی نسیمی سرد  
نسیم سردی که  
از سمت خانه ی زنی هرزه می آید  
زن هرزه ای که هرشب  
تن برهنه اش را  
به فقر می فروشد  
و بازی کهنه ی زندگی را  
با مرگ غمناک خویش ، به پایان می سپارد

عنوان: عربان خواب

سرود موج دریای عذابیم

دهان زخمی از نیش سراپیم

هوا سرد است ما در پنجه ی شب

کنار گریه غم عربان خوابیم

## عنوان: شعر تیغ تیز غم

به زیر تیغ غم ، عریان صبریم  
سوار اسب بی افسار قبریم  
اگرچه میوه ی ممنوعه خوردیم  
اسیر اختیار دیو جبریم

## عنوان: وسعت عالم

زمین جزئی از این دنیای زیباست  
و دنیا چشمه ی ترس و معماست  
اگر مانند انسان در جهان نیست  
بگو پس وسعت عالم چه معناست

عنوان: شعر پنجه ی زندان درد

زمین ، در پنجه ی زندان درد است

زمان ، آغاز تاریک نبرد است

دلت را خوش نکن به ابر و باران

درخت آرزو بی حال و زرد است

.....

ابوالقاسم کریمی فرزندزمین

## عنوان: شعر دنیای شبناک

چه سخته زندگی در پنجه ی خاک

درون خونه ای پر کرم و نمناک

ولی (ریشه میدونه) قدر خود را

نمی ترسه از این دنیای شبناک

عنوان: **کوچه های عاشقی**

گذشته حال و فردا را به هم ریخت

زمین را یک زن زیبا به هم ریخت

سکوت کوچه های عاشقی را

لب جادویی هوا به هم ریخت

## عنوان: شعر برگ زرد ۲

گلی در پنجه ی شبهای سردم  
اسیر سیلی سنگین دردم  
به لبخند لبم غم غنچه کرده  
به ظاهر سبز و در دل برگ زردم

عنوان: شعر زندان مرگ

هوا سرد است و من عریان مرگم

گرفتار غم زندان مرگم

هوا سرد است و من در مسلخ شب

کنار جوی خون گریان مرگم

## عنوان: رها کن

نیوشان به خودت پیرآهن غم  
رها کن ای دل من دامن غم  
بخند و اینچنین باش و همیشه  
رفیق شادی باش و دشمن غم

## عنوان: بوی عشق

کلامش بوی عطر نسترن داشت  
نگاه پاک او رنگ چمن داشت  
علف در زیر کفش خاکی عشق  
تمایل به گل لاله شدن داشت

## عنوان: گل پژمرده

گلی ، در مسجد زیبایی روید  
کسی زیبایی گل را نفهمید  
او پژمرده شد اما مردنش را  
خدا دید و خدا دید و خدا دید

هوا، سرد است و من عریان ترسم

درون مسلخ زندان ترسم

من، ویران شده در سیل اندوه

گرفتار تبِ سوزان ترسم

بهار آمد ، ولی غمگین و خسته  
تبر ، لبخند جنگل را شکسته  
به جای موج آب و رقص ماهی  
elf بر دامن هامون نشسته

## عنوان: خرد

خرد ،  
چون شاخه ی شکسته  
که بر دامن نمناک جنگل افتاده ،  
هنوز  
فرصت زندگی دارد

اما

مشتریان نان ارزان تقلید  
کنار تنور گرم تعصب  
صف کشیده اند  
و دستان سرد پاییز را  
روانه ی جنگل کرده اند

چه باید گفت؟؟  
.....چه باید کرد؟؟؟.....

نگین خوش تراش دست جبریم  
به زیر تیغ تیز سرد صبریم  
می آید موج غم ، از سمت مشکل  
ما تنها تار و پود روح ابریم.

مَحَال ،  
چون گرگ گرسنه  
که بچه غزالی را  
دنبال میکند  
به سمت می آید

و من چاره ای ندارم  
جز آنکه باور کنم  
نمی توانم  
دوستت  
داشته باشم.

لباس سبز جنگل را ربودی  
فقط اشعار غمگین را ستودی  
کسی که منطق دریاچه را گشت  
نه غربی بود و نه شرقیتو بودی

## عنوان: دوام گل

زمین سرد و سپیده در زمستان  
و باران هم، شدیده در زمستان  
جوان، تو لایق شادی و عیشی  
دوام گل، بعید در زمستان

## عنوان: زندگی

اگه دنیا ، به دستانش تفنگه  
دل دریایی ما ، مرد جنگه  
برای هر که شادی را بخواهد  
تمام زندگی ، یک جا قشنگه

هوا دلگیر و مردم ، مردم آزار  
دروغ و دزدی و بیکاری بسیار  
جوانی یک چراغ نیمه سوز است  
که میسوزد در این تالار غم بار

\_۲۸ تیر ۱۳۹۶\_تهران\_ورامین

در این شهر کویری ابر خسته  
کنار ماه پاییزی نشسته  
گرفته غم گلوی نازکش را  
نمیدانم دلش را کی ، شکسته

۲۱\_ بهمن ۱۳۹۶\_تهران\_ورامین

## شرایط استفاده

- این دفتر شعر توسط وبسایت شعریاک به نشانی [sherepaak.com](http://sherepaak.com) ایجاد شده است.
- مسئولیت محتوای این فایل به عهده شاعر این مجموعه است.
- کلیه حقوق این دفتر متعلق به **ابوالقاسم کریمی** است و هرگونه کپی و استفاده از این محتوی صرفاً با کسب اجازه کتبی از شاعر مجاز خواهد بود.